

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی
شماره مجوز: ۹۸/۷۸۸۶۴-۲۳۵۱
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸
شماره مقاله: ۱۱۹۵/۱۱
رده بندی کنفرانس: الف ۱۰۱/۲

بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی صغیر ممیز

دکتر فاطمه اندی^۱

دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم تحقیقات خوزستان

دکتر مریم جلالیان

دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

چکیده

ایراد خسارت و ضرر، هم در فقه پربار شیعه و فتاوی فقها و هم در نصوص قانونی منتهی به ارایه طریق جهت جبران آن زیان است و بر اساس قواعد اسلامی، ضرر و زبانی بدون جبران نخواهد ماند. البته در برخی از فروض چالش هایی وجود دارد که از جمله آنها ورود خسارت و تلف توسط صغیر ممیز و مسئولیت مدنی ناشی از آن است که بر اساس موازین فقهی و قانونی از یک سو با فقدان مسئولیت صغیر به واسطه حجر در امور مدنی و رفع مسئولیت جزایی در امور کیفری مواجه هستیم و از سوی دیگر جهت حمایت از زیان دیده باید طریقی جهت جبران آن بیابیم. این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی تهیه و تنظیم گردیده است با مطالعه در متون فقهی و مواد قانونی به این موضوع پرداخته است که در چه مواردی می توان صغیر ممیز را مسئول جبران خسارت دانست و در این میان سرپرست اطفال و یا خود

^۱ نویسنده مسئول

شخص زیان دیده چقدر در فرایند ورود ضرر و یا جبران آن نقش خواهند داشت. النهایه آنطور که از شرح نظر فقها و تفسیر مواد قانونی بر می آید، همه آنها حول محور جمع بین فقدان مسئولیت صغیر و جبران ضرر زیان دیده تلاش کرده اند که نتایج آنها قابل تأمل و بررسی است.

کلید واژه ها: صغیر ممیز، مسئولیت مدنی، سرپرست، ضرر و خسارت

مقدمه

اصولاً صغر سن در فقه و حقوق دارای تقسیماتی است که بخشی از آن که بیشتر مورد تمرکز پژوهش پیشرو قرار دارد، صغیر ممیز است، البته برای صغیر ممیز هم در متون فقهی و هم در نظریات حقوقدانان مسئولیت حقوقی و گاهها مسئولیت کیفری لحاظ شده است که باز هم باید گفت که عمده هدف این پژوهش پرداختن به مسئولیت مدنی وی میباشد، هرچند که در برخی از موارد و جهت تطبیق و تنویر اذهان، اشاراتی به مسئولیت کیفری در فقه و حقوق نیز شده است. تلاش پژوهش معطوف به شناخت و معرفت نسبت به صغیر ممیز و مسئولیتهای وی در فقه و حقوق است که بدین جهت مواد قانونی مرتبط با صغیر ممیز در قوانین مدنی و همچنین مسئولیت مدنی بیشتر مورد توجه بوده و از سوی دیگر نیز نظریات فقهی در باب صغیر، حجر، ضمان و ... مورد مطالعه قرار گرفته است. لذا باید گفت که سه چالش مهم و جدی پیش روی این تحقیق قرار دارد، اولاً پرداختن به این دغدغه که میان ضرر غیر و لزوم جبران خسارت وی با فقدان مسئولیت صغیر به دلیل عدم تکمیل قوای عاقله، به چه ترتیبی باید جمع نمود تا هم صغیر با یک عقاب غیرمتناسب با وضعیت خویش روبرو نشود و هم ضرر متضرر بدون جبران نماند. ثانیاً باید دید در خصوص قوانین موجود مدنی و مسئولیت مدنی در خصوص مسئولیت صغیر و مسئولیت سرپرست صغیر چگونه میتوان جمع کرد تا هریک مسئولیت دیگری را خنثی

و قانون را نسخ نسازد و ثالثاً باید مجموعه موارد را هم در آئینه قوانین و حقوق معاصر و هم در جلوه‌های فقهی مورد کنکاش و تطبیق قرار دهیم، امید است که در این مسیر توفیق لازم، حاصل شود.

بخش اول: تبیین صغیر ممیز

صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به رشد جسمی و فکری لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. به عبارت دیگر، صغیر کسی است که بالغ و رشید نشده اما صغیر در این مرحله دو دوره را پشت سر می‌گذارد، دوره‌ای که می‌تواند خوب و بد و زشت و زیبا را تا حدودی تشخیص دهد و دوره‌ای که نمی‌تواند چنین تشخیصی داشته باشد. به صغیری که به هیچ عنوان قوه درک و فهم نداشته باشد، صغیر غیر ممیز گفته می‌شود که اعمال وی مانند مجنون (دیوانه) باطل است زیرا نمی‌تواند مصلحت خود را در همه امور رعایت کند اما صغیر ممیز می‌تواند تا حدودی مصالح خود را تشخیص دهد که چنین صغیری می‌تواند هبه، صلح (چون برایش هیچ گونه تعهدی ایجاد نمی‌کند) را قبول کند اما از انجام معامله ممنوع است زیرا قادر نیست به تنهایی اموال خود را اداره کند. در کشور ما تشخیص صغیر ممیز از غیر ممیز با قاضی دادگاه می‌باشد. صغار اعم از ممیز و غیر ممیز تحت ولایت پدر و جد پدری می‌باشند و به موجب ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع می‌باشند. در فقه مقرر شده است که: «الصغیر و هو الذی لم يبلغ حد البلوغ محجور علیه شرعاً لا تنفذ تصرفاته فی امواله بیع و صلح و هبه و اقراض و اجاره و ایداع و اعاره و ...» صغیر به کسی گویند که به حد بلوغ نرسیده باشد و صغیر شرعاً محجور علیه است، یعنی تصرفاتش در اموال خودش نافذ نیست، اگر کالائی را بفروشد آن کالا منتقل به مشتری نمی‌شود و همچنین معاملات دیگرش چون صلح و بخشش و قرض دادن و اجاره کردن و اجاره دادن و گرفتن ودیعه و ... اصولاً حجر در فقه و قانون مفهومی دارد که یکی از جلوه‌های آن صغیر است، در خصوص حجر مقرر شده است: «... و هو فی الاصل بمعنی المنع و شرعاً کون

الشخص ممنوعاً فی الشرع عن التصرف فی ماله بسبب من الاسباب^۱ همچنین در جای دیگر بیان شده: «... و فی موجباته و هی سته: الصغر و الجنون و الرق و المرض و الفلس و السفه ... و المحجور علیه شرعاً هو الممنوع من التصرف فی ماله»^۲ به عبارت دیگر، صغیر ممیز و مفهوم آن در مقابل صغیر غیر ممیز قرار دارد که به طفلی اطلاق شده که قوه تشخیص سود و زیان و خوب و بد را نداشته و آثار نتایج عقود و ایقاعات و به طور کلی معاملات را ندانسته و درک نمی کند.^۳ اما قانون مدنی ایران، از صغیر غیر ممیز تعریفی ارایه نکرده و برای تشخیص و تمیز ممیز از غیر ممیز، سن خاصی را نیز در نظر نگرفته است. لذا چنانچه اختلاف خاصی در این مورد پیش آید، تشخیص امر و تعیین تکلیف به عهده قاضی دادگاه می باشد، از طرف دیگر صغار در سن معینی، دارای قوه تشخیص مختلفی اند. برخی قادر به تشخیص سود و زیان و نتایج اعمال خود بوده و بعضی دیگر از این امر عاجزند. به همین لحاظ بعضی از فقهای امامیه تصریح کرده اند که صغیر ممکن است نسبت به امری ممیز باشد و نسبت به امر دیگری غیر ممیز و ممکن است شخص صغیری، امری را تمیز دهد و دیگری در همان سن از تمیز آن محروم باشد.^۴ در سیستم حقوقی ما سابقاً وضع خروج صغیر از حجر روشن بود. ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی سابق، سن هجده سالگی را به عنوان سن کبر و اماره رشد پیش بینی کرده بود. علاوه بر این در این ماده پیش بینی شده بود که دختر یا پسری که به سن پانزده سالگی رسیده و مدعی رشد است، با مراجعه به دادگاه می تواند رشد خود را اثبات نماید. این ماده در اصلاحات سال ۱۳۶۱ حذف شد. اکنون ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره دو آن در خصوص خروج صغیر از حجر دو حکم متعارض دارند. ماده ۱۲۱۰ می گوید: «هیچ کس

^۱. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۵، ص ۱۱.

^۲. محقق حلی، شرایع الاسلام، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۷۷، کتاب الحجر.

^۳. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۱، ص ۱۷۵.

^۴. ارشدی، علی یار، صغیر ممیز و حدود حجر او در حقوق ایران، نشریه عدالت آرا، شماره اول، ۱۳۸۴، ص ۸۵.

^۵. بعضی از فقهای امامیه به استناد حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که فرموده اند: «فرزندانتان را در ۷ سالگی به نماز عادت دهید»، سن هفت سالگی را برای رسیدن به صغیر به مرحله تمیز ذکر کرده اند. برخی دیگر از فقها به استناد حدیثی دیگر، سن ۶ سالگی را برای تمیز، معین کرده اند.

را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ، به جنون یا عدم رشد محجور نمود، مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد».

بخش دوم: تبیین مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در معنای عام، وظیفه حقوقی است که یک شخص در برابر دیگری دارد، این مسئولیت می‌تواند مواردی از قبیل: جبران خسارت، انفاق به خویشاوندان، تسلیم مورد معامله و غیره باشد. مسئولیت مدنی در معنای خاص عبارت است از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد، اعم از این که زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است. به عبارت دیگر مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است، مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زانی به او وارد آورد، فرق نمی‌کند عملی که موجب زیان شده است جرم باشد یا شبه جرم، در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است، گفته می‌شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. این قاعده منطقی و عادلانه از دیرباز وجود داشته که هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در موارد اضرار به غیری که به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند. مسئولیت مدنی و کیفری در قدیم با همدیگر در آمیخته بوده است، و تفکیک دقیقی بین این دو صورت نگرفته بود، بدان معنا که مثلاً مجازات کسی که جرمی مرتکب می‌شد در بسیاری از جرایم پرداختن خسارت به خود قربانی بود، چنانکه دیه در حقوق اسلام نیز همین مفهوم را داشت. حقوق کنونی ما نیز با تصویب قانون مجازات اسلامی در کنار قوانین مدنی و مسئولیت مدنی، از این اختلاط متأثر است. البته در امر مسئولیت کیفری، افزایش تدریجی مسئولیت متناسب

^۱. دهقان، رمضان، مسئولیت مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ۱۳۹۲، ص ۲.

^۲. کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۱۶.

با میزان ادراک با شاخص قرار دادن سن، از رویکردهای پذیرفته شده جهانی برای تحقق عدالت و نشانه عدالت اجتماعی است. در بیشتر کشورهای اسلامی، حداقل سن کودکی یا سن عدم مسئولیت و حداکثر سن کودکی یا دوره مسئولیت ناقص کیفری اطفال مشخص شده است. رویکرد جاری، در کشورهای اسلامی دور نگه داشتن کودکان و نوجوانان از نظام قضایی تا جای ممکن است. توجه بیشتر قوانین در تعیین سن مسئولیت کامل کیفری به بلوغ احساسی، فکری و ذهنی و به دور از هر نوع تبعیض جنسیتی است. البته بیشتر آنها در مورد ممنوعیت اعمال مجازات‌های سنگین، مانند اعدام و حبس ابد برای افراد زیر هجده سال، تأکید کرده‌اند. با توجه به فتاوی امام خمینی و استناد ایشان به قاعده درء، می‌توان ادعا کرد که نظر ایشان همسو با این رویکرد است. اصولاً در مسئولیت مدنی، ضرر و زیان متوجه یک شخص خاص است، همچنین در مسئولیت مدنی، چون عمل ارتكابی مخل نظم عمومی نیست، جامعه از خود دفاع نکرده است و متضرر از جرم بایستی خسارت‌های وارده به خود را از مرتکب مطالبه کند. احراز مسئولیت مدنی نیازی به اثبات سوءنیت فاعل ضرر زننده ندارد و از این حیث شامل حال صغیر ممیز هم می‌شود و خطاهایی که موجب مسئولیت مدنی می‌شوند به طور معمول از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا مهارت نداشتن یا رعایت نکردن نظامات دولتی سرچشمه می‌گیرند و یا این که در برخی موارد، قانون کسی را از نظر مدنی ملزم به جبران خسارت می‌کند بدون این که مرتکب تقصیری شده باشد. اصولاً اعمال مادی اعمالی است که از شخص در خارج محقق می‌گردد، مانند اتلاف و تسبب و تلف مال غیر و امثال آن. طبق قاعده عقلی وحدیث نبوی (لا ضرر ولا ضرار) هر کس به نحوی از انحاء زیان به غیر وارد آورد مانند آنکه مال کسی را شخصاً تلف کند یا سبب تلف آن شود زیان شخص زیان دیده را باید جبران کند. ماده ۳۲۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد که هر کس مال غیر را تلف کند ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و یا اعم اینکه عین از باشد یا منفعت و اگر از آنرا ناقص یا معیوب کند، ضامن نقض قیمت آن مال است. همچنین طبق ماده ۳۳۱ قانون مدنی هر کس سبب تلف مالی بشود

^۱ حسینی، مریم و خانی، زهره، سن مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه امام خمینی (س) و قانون مجازات اسلامی، نشریه متین، شماره ۷۰، ۱۳۹۵، ص ۴۷.

باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر سبب نقض یا عیب آن شده باشد ضامن از عهده نقض قیمت آن مال است.

بخش سوم: مبنای جبران ضرر و زیان

انصاف و حمایت از زیان دیده اقتضاء می کند که هیچ زبانی بدون جبران نماند، اگرچه جبران خسارت به قیمت مسئول شناختن مجنون یا صغیری که قوه درک و تمیز ندارد و نمی تواند مقصر به شمار آید تمام شود. اگر صغیر ممیز بی آنکه سرپرست او مرتکب تقصیری شده باشد، زبانی به دیگری وارد کند و مال دیگری را تلف نماید، یا صغیری که پدر و مادرش در تربیت او نهایت کوشش را به کار برده و وظایف خود را درباره او به نحو احسن انجام داده اند، به گونه ای غیر قابل پیش بینی، با دوچرخه یا اسباب بازی خود شخصی را مجروح کند. در این گونه موارد می توان گفت مسئولیت به عهده خود محجور است و زیان دیده می تواند از مال او دریافت خسارت کند و اگر مالی نداشته باشد، زیان دیده می تواند صبر کند و پس از توانگر شدن او جبران خسارت را مطالبه نماید. لذا مبنا فلسفه این امر آن است که از نظر حفظ نظم اجتماع هیچکس نباید موجب زیان دیگری شود و او را بدون جبران بگذارد. در این امر فرقی بین صغیر و کبیر نیست، زیرا ضعف قوای دماغی صغیر نمی تواند موجب شود که زیان متضرر بدون جبران بماند، بنابراین صغر سن موجب رفع مسئولیت مدنی نیست و به هر حال کودک در هر سنی که باشد می بایستی زیان ناشی از اعمال خود را جبران کند.^۱

بخش چهارم: مسئولیت مدنی صغیر ممیز

احادیثی در اسلام و از پیامبر (ص) وجود دارد که به موجب آن صغیر تا زمان بلوغ مسئولیتی ندارد، مانند: «ان القلم یرفع عن ثلاث، عن الصبی حتی یحتلم، و عن المجنون حتی یفبق و عن النائم حتی یتقیظ»^۲ کما اینکه در امر کیفری نیز صغیر فاقد مسئولیت کیفری است و در احراز بسیاری از جرایم در فقه و حقوق ملاک بلوغ شرط است، از جمله در سرقت حدی یکی از شروط مقرر در قانون و متون فقهی، بلوغ است، علاوه بر قانون که روشن و واضح

^۱ پور احمدی، محمدرضا، مسئولیت مدنی اطفال، نشریه دادرسی، شماره ۴۱، ۱۳۸۲، ص ۷۰.

^۲ حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، جلد اول، تهران، نشر مکتبه اسلامی، ۱۴۰۳، ص ۳۲.

است در متون فقهی نیز بیان شده است که: «يعتبر في السارق امور: الاول: البلوغ، فلو سرق الصبي لا يحد، بل يعفى في المره الاولى بل الثانيه ايضاً» بدین معنا که اگر کودکی مرتکب سرقت شود حد بر او جاری نمی‌شود بلکه در مرتبه اول و نیز مرتبه دوم بخشیده می‌شود.^۱ در جای دیگری می‌خوانیم: «فی السرقة، و يتعلق الحكم و هو هنا القطع بسرقة البالغ العاقل المختار می الحرز بعد هتکه و ازالته بلا شبهه موههمه للملك عارضه للسارق، او للحاکم و ...» یعنی حکم سرقت که قطع می‌باشد در مورد سرقت فرد بالغ و عاقل و مختار می‌باشد که پس از گشودن حرز و زدودن آن بدون شبهه‌ای که بر سابق عارض شده باشد و موهم مالکیت او باشد و ...

لذا این امر باعث اختلاف نظر میان فقهای امامیه در خصوص مسئولیت و یا عدم مسئولیت صغیر شده است. سوالی که مطرح است این خواهد بود که آیا حکم به مسئولیت صغیر با این احادیث منافات دارد یا خیر. در پاسخ باید گفت که برخی از فقها گفته‌اند که ظاهر از احادیث این است که عقوبت و همچنین احکام تکلیفی از صغیر برداشته شده است و عقوبت و حکم تکلیفی نیز غیر از مسئولیت ناشی از احکام وضعی است، لذا: «فيختص رفع القلم المواخذة بالافعال التي يعتبر في المواخذة عليها قصد الفعل، فيخرج مثل الاتلاف، فافهم و اغتم» بدین شرح که برداشته شدن قلم، اختصاص به کارهایی خواهد یافت که در کیفر آنها قصد فاعل معتبر می‌باشد و در نتیجه اقداماتی مثل اتلاف خارج می‌گردد. البته در امر کیفری تکلیف کمی روشن‌تر است، زیرا یکی از بدیهیات نظام حقوقی اسلام این است که کودکی و جنون از عوامل رافع مسئولیت کیفری است. فقها بلوغ و عقل را از جمله شرایط عامه تکلیف می‌دانند و در نتیجه کودکی را که مرتکب حد یا جنایت شده است، مستحق اجرای حد و یا قصاص نمی‌دانند. البته در بحث جنایات چون با مقتول و یا مجنی علیه مواجهیم، عدم مسئولیت کیفری صغیر مانع از آن نیست که دیه نفس و مادون نفس مجنی علیه پرداخت شود، به همین جهت در روایت معتبره اسحاق بن عمار آمده است: «ان عليا (علي ع) كان

۱. خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، جلد ۴۱، نینوا، نشر موسسه احیا آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰، ص ۳۳۹.

۲. عاملی، زین الدین، شرح لمعه الدمشقیه، ترجمه اسدالله لطفی، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۹، ص ۵۰۹.

۳. انصاری، مرتضی، المکاسب، تحقیق و تعلیق محمد کلاتر، بیروت، نشر النور المطبوعات، ۱۴۱۰، ص ۷۸.

يقول عمد الصبيان خطا يحمل على العاقله» یعنی علی (ع) می فرمود: «عمد کودکان خطاست و دیه آن بر عاقله حمل می شود». اما در امر مسئولیت مدنی صغیر، باید گفت که یکی از شرایط مسئولیت مدنی صغیر فعل زیان آور وی است. اگر خسارتی به شخصی وارد شود، ولی این خسارت ناشی از اقدام و عمل کسی نباشد، مسئولیت و ضمانی هم در میان نیست، برای مثال، خسارتی که در اثر عوامل طبیعی از قبیل زلزله، سیل، طوفان و امثال آن به اشخاص وارد می شود، مسئولیتی متوجه کسی نمی کند، لذا برای تحقق مسئولیت، وجود رفتار ضررآور ضروری است.^۲ در نتیجه فعل زیان آور صغیر ضمان ایجاد می گردد، ضمان در اصطلاح فقه شیعه به مفهوم حکم وضعی، عهده داری و مسئولیت مدنی است که از آثار آن وجوب تکلیفی پرداخت خسارت است. اما برای تقویت ظهور و بروز مسئولیت مدنی صغیر ممیز می توان به قرآن استناد کرد، در آیه ۱۹۰ سوره بقره آمده است: «فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم...» بدین معنا که هر کس به شما تعدی کرد پس بر او به مانند آنچه بر شما تعدی کرده است تعدی کنید. تردید نیست که اتلاف مال دیگری بدون اذن صاحب آن، از مصادیق تعدی بر دیگری محسوب می شود، مستفاد از آیه شریفه دو چیز است، اولاً اعلام جواز یا به تعبیر دیگر، جعل حق مواخذة و مطالبه برای طرفی که مورد تعدی قرار گرفته است و ثانیاً اینکه مورد مطالبه می تواند مقابله به مثل باشد. در آیه مذکور حکم واضحی وجود دارد مبنی بر اینکه هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است. یعنی آیه در مقام جعل حق و بیان حکم وضعی است. البته از سوی بعضی از فقها، استدلال بر این ضامن به آیه فوق مورد خدشه و مناقشه قرار گرفته است. فقهای دیگر جمله «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» بدین معنا که هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است را یک حدیث منقول از معصوم (ع) تلقی کرده اند، هر چند این عبارت در کتب حدیثی دیده

۱. حر عاملی، محمد، وسایل الشیعه، جلد ۲۹، تهران، نشر مکتبه اسلامیة، ۱۴۱۶، ص ۴۰۰.

۲. حسین آبادی، امیر، بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، نشریه الهیات و حقوق، شماره ۲۰، ۱۳۸۵، ص ۱۸.

۳. عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص ۴۱.

۴. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰.

۵. انصاری، مرتضی، المکاسب، تحقیق و تعلیق محمد کلانتر، بیروت، نشر النور المطبوعات، ۱۴۱۰، ص ۶۹.

۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۳۷، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱، ص ۶۰.

نمی‌شود، ولی از چنان شهرتی برخوردار است و آنچنان مورد استفاده فقها قرار گرفته که در حدیث بودن آن تردیدی باقی نمی‌ماند و در بسیاری نصوص دیگر نیز کلماتی حاکی از مضمون این جمله وجود دارد. لذا در فقه اسلامی و قانون مدنی، از آنجا که اصولاً نظریه مسئولیت عینی یا نظریه خطر پذیرفته شده است، مسئولیت مدنی صغیر ممیز بدون تفکیک بین اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب، مورد قبول قرار گرفته است. مخصوصاً فقهای اسلامی اعلام کرده‌اند که در احکام وضعی مانند دیات و ضمان ناشی از غصب و اتلاف، بلوغ و عقل شرط نیست. بدین ترتیب هر چند که فقه به حجر و وضعیت خاص صغیر در باب ضمان و جبران خسارت بی تفاوت نیست ولی از نظر فقها، جبران خسارت زیان‌دیده در اولویت بیشتری قرار دارد، لذا گاه مسئولیت را از دوش آنها بر می‌دارد و آنها را معاف می‌سازد، ولی عموماً آنها همچون بالغین مسئول شناخته می‌شوند و مکلف به جبران آن می‌باشند، زیرا صغیر بودن در افعال فعلیه موثر نیست، بر خلاف افعال قولیه مانند عقود و ایقاعات و آنچه که نیاز به بیان صیغه دارد و در آنها قصد و رضا شرط است. قانون مدنی هم به تبعیت از فقه اسلامی، صغیر ممیز را مسئول اعمال زیان‌آور خود شناخته و در ماده ۱۲۱۶ چنین مقرر داشته است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید باعث ضرر غیر شود ضامن است». این ماده هم اتلاف به مباشرت و هم تسبیب را شامل و با مبنایی که در فقه اسلامی و قانون مدنی برای مسئولیت پذیرفته شده سازگار است. به نظر می‌رسد که مبنای مسئولیت در فقه اسلامی و قانون مدنی تقصیر نیست و فرقی بین اتلاف (به مباشرت) و تسبیب از این لحاظ وجود ندارد و به طور کلی مسئولیت بدون تقصیر (مسئولیت عینی یا نوعی) یا نظریه خطر در فقه اسلامی و قانون مدنی پذیرفته شده است. دلیل قاطعی بر اینکه در فقه و قانون مدنی از نظر مبنای مسئولیت تفاوتی بین اتلاف و تسبیب وجود داشته باشد در دست نیست و همین که رابطه علیت عرفی بین کار شخص و تلف موجود باشد، برای فاعل ایجاد مسئولیت می‌کند و لزومی ندارد که تقصیر او نیز احراز شود. حتی ممکن است اتلاف به غیر عمد صورت گیرد و مسئولیت به بار آورد. برای مثال صغیری که هنگام نشان دادن به دیگری کاسه چینی

^۱. حر عاملی، محمد، وسایل الشیعه، جلد ۱۸، تهران، نشر مکتبه اسلامی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۸.

^۲. شهید اول، القواعد و الفوائد، ترجمه مهدی صانعی، جلد دوم، مشهد، نشر دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۳.

را که در دست رهگذری است بشکند، یا تویی را که هنگام بازی زده است شیشه‌ای را بشکند یا به حیوانی آسیب رساند، مسئول تلف آنها است.^۱ در فقه نیز بیان شده است که که تفاوتی بین مواردی که متلف مباشر یا سبب یا مانند آن باشد نیست، مباشر و سبب مرتبه خاصی ندارند. گاهی شخص سبب و گاهی سبب، سبب است و گاهی اسباب متعدد و دور می‌شوند و چون منشأ ضمان بنابر آنچه از نص و فتوی بر می‌آید، اتلاف است. مبنای امر صدق تلف بر حسب عرف می‌باشد و محدود کردن فقها ضمان را به مباشر و سبب و مانند آن برای ضبط مصادیق عرفی تلف است و گرنه دلیلی بر مباشرت و تسبیب و تقدم یکی بر دیگری در صورت اجتماع آنها در دست نیست، پس شایسته است که صدق عرفی تلف معیار قرار داده شود. گاهی اتلاف بر مباشر صادق است نه سبب. گاه بر هر دو صدق می‌کند و گاه بر سبب صادق است نه مباشر.^۲ البته هر چند که در فقه و حقوق اصل بر مسئولیت صغیر در تلف و خسارت به واسطه عدم اهمیت تقصیر و مهم بودن جبران ضرر زیان دیده گذاشته شده است اما در استثنائاتی که در فقه و حقوق وجود دارد، نمیتوان صغیر را به عنوان محجور مسئول دانست، مانند موردی که فردی طرف معامله خود را صغیر قرار بدهد و یا اموال خود را به امانت نزد صغیر بسپارد و از این طریق ضرر و خسارتی را متحمل شود. «ولو عالمه العالم بحاله استعاده ماله مع وجوده، لبطلان معامله فان تلف فلا ضمان لان المعامل قد ضیع ماله بیده، حیث سلمه الی من نهی الله تعالی عن ایتائه، ولو کان جاهلاً بحاله فله الرجوع مطلقاً، لعدم تقصیره. و قیل: لا ضمان مع التلف مطلقاً، لتقصیر من عامله قبل اختباره و فصل الثالث: فحكم بذلك مع قبض السفیه المال باذن مالکة و ولو كان بغیر اذنه ضمنه مطلقاً، لان المعامله الفاسده لا یترب علیها حکم فیکون قابضاً للمال بغیر اذن، فیضمنه، کما لو اتلف مالا، او غصبه بغیر اذن مالکة و هو حسن»^۳ اگر شخصی از حال محجور خبر دارد با او معامله کند در صورتی که مال وی موجود باشد مالش را دریافت می‌کند زیرا معامله باطل است اما اگر تلف شده باشد ضمان وجود ندارد چرا که معامله کننده خودش اقدام به تلف مالش نموده است اما اگر

^۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، وقایع حقوقی، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۲۹.

^۲. مراغی، عبدالفتاح، عناوین الاصول، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۲۹۷ ه.ق، ص ۴۱۲.

^۳. عاملی، زین الدین، شرح لمعه الدمشقیه، ترجمه اسدالله لطفی، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۹، ص ۵۰۹.

به حال محجور نادان باشد خواه مال موجود باشد و خواه تلف شده باشد حق رجوع دارد زیرا مرتکب تقصیری نشده است، برخی گفته‌اند در صورت تلف خواه عالم به سفاهت باشد و خواه جاهل، ضامن نیست، زیرا کسی که قبل از امتحان کردن محجور با او معامله کرده است مرتکب تقصیر شده است، دسته سوم قائل به تفصیل شده‌اند، مبنی بر اینکه اگر محجور اقدام به قبض مال با اذن مالک آن کرده باشد حکم به ضمان کرده‌اند اما اگر بدون اذن مالک بوده باشد در هر حال او را ضامن دانسته‌اند زیرا بر معامله فاسد اثری مترتب نمی‌شود لذا محجور مال را بدون اذن مالکش دریافت کرده و ضامن آن است. همانطور که اگر مالی را تلف کرده یا بدون اذن مالک آن را غصب نموده باشد چنین است و این نظر نیکو است. «و فی ایداعه، او اعارت، او اجارته فیتلف العین نظر من تفریطه بتسلیمه و قد نهی الله تعالی عن بقوله: ولا توتوا السفها الموالکم، فیکون بمنزله من القی ماله فی البحر، و من عدم تسلیطه علی الائلاف، لان المال فی هذه المواضع امانه يجب حفظه، و الائلاف حصل من السفیه بغیر اذن فیضمنه کالغصب و الحال انه بالغ عاقل، و هذا هو الاقوی» اگر مالی را نزد محجور به ودیعه گذارند یا به او عاریه و اجاره دهند و آن مال تلف گردد، نسبت به ضمان جای تاملی و دقت وجود دارد، از یک سو خود شخص با تسلیم مال به محجور کوتاهی کرده است زیرا خداوند در قرآن کریم از این کار نهی فرموده است، از سوی دیگر وی شخص محجور را بر اتلاف مال مسلط نکرده است زیرا مال در تمام این موارد امانت بوده، حفظ آن واجب می‌باشد و اتلاف هم از جانب محجور حاصل شده است بدون آنکه ماذون باشد بنابراین مانند مورد غصب ضامن آن است.

بخش پنجم: مسئولیت سرپرست صغیر ممیز و اصل شخصی بودن در مسئولیت مدنی

بنا به مبانی مطرح شده در موازین مسئولیت مدنی، در برخی از موارد و به موجب قانون، افرادی که مسئولیت نگهداری یا مواظبت از صغیر به آنها سپرده شده باشد نیز، جبران خسارت مدنی ناشی از رفتار صغیر را بر عهده خواهند داشت. لذا در همین راستا ماده ۷

^۱ عاملی، زین الدین، شرح لمعه الدمشقیه، ترجمه اسدالله لطفی، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۹، ص ۵۰۹.

قانون مسئولیت مدنی بیان داشته است: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران خسارت وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال صغیر یا مجنون، زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد». صدر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در مورد مسئولیت کسی است که نگهداری یا مواظبت صغیر به عهده اوست، این مسئولیت نوعی مسئولیت ناشی از فعل غیر (در مقابل اصل شخصی بودن مسئولیت) است که می‌توان فلسفه وضع را ناشی از دو علت اصلی دانست، اول کمک به فرایند جبران خسارت زیان دیده و دوم برخورد با مراقب یا سرپرست به واسطه اهمال در وظایف نگهداری و مواظبت. البته در همینجا باید گفت که هرچند مسئولیت فرد مواظب و مراقب صغیر، نوعی مسئولیت ناشی از فعل غیر است، اما اگر رفتار صغیر ناشی از تقصیر مراقب به واسطه اهمال در نگهداری و مراقبت باشد، دیگر نمیتوان آن را مغایر با اصل شخصی بودن محسوب کرد و این مسئولیت به واسطه تقصیر خود او قابل احراز خواهد بود. برخی معتقدند که دو کلمه «نگهداری» و «مواظبت» در این ماده به طور متعارف و به یک معنی به کار رفته‌اند. بعضی دیگر چنین معتقدند که واژه نگهداری اعم از واژه مواظبت است چرا که نگهداری هم مشتمل بر مواظبت و هم تهیه تمام یا قسمتی از لوازم ضروری زندگی مجنون یا صغیر از قبیل خوراک و پوشاک و محل سکونت اوست.^۱ به نظر می‌رسد که نگهداری در این ماده به معنی خاص حقوقی که از آن به حضانت هم تعبیر می‌کنند به کار رفته است. این نگهداری در درجه اول حق و تکلیف پدر و مادر است و تابع شرایط و احکام خاصی است که در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی مقرر شده است. قوانین مذکور برای این مفهوم خاص حقوقی گاهی کلمه نگهداری و گاهی کلمه حضانت را به کار برده‌اند. اما کلمه مواظبت اعم است و دارای معنی خاص حقوقی نیست و به همان معنی لغوی استعمال شده که عبارت است از پیوسته مراقب کاری بودن و نگهداری

^۱ قائم مقامی، محمد، حقوق تعهدات، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۳۶۶.

کردن.^۱ به هر روی، شق ابتدایی ماده ۷ دارای مفهومی گسترده است و شامل هر کسی می شود که نگهداری یا مواظبت صغیر، قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد. بنابراین هر یک از پدر، مادر، وصی و قیم در صورتی که عهده دار حضانت محجور باشند، مدیر مدرسه و آموزگار که قانوناً موظف به مراقبت از دانش آموزان هستند، پرستاری که بر حسب قرارداد یا قانون، مواظبت از صغیر را به عهده گرفته است، کاسب یا پیشه‌ور یا صنعتگری که صغیر به او سپرده شده و نزد او کار می کند و هر شخص دیگری که به موجب قانون یا عرف و عادت یا قرارداد متصدی مواظبت و موظف به نگهداری محجور باشد مسئول قاعده مندرج در ابتدای ماده ۷ هستند. برابر ماده ۷ یاد شده و بنا بر مبانی مسئولیت مدنی مبنی بر احراز رابطه سببیت خسارت و ضرر با رفتار فرد، خسارت وارده باید ناشی از فعل صغیر باشد تا شخصی که نگهداری یا مواظبت به عهده اوست مسئول شناخته شود، به نظر می رسد که صغیر در اینجا اعم از ممیز و غیر ممیز است و قاعده مذکور اختصاص به غیر ممیز ندارد. معهذا برخی از استادان قاعده مندرج در بند ۱ ماده ۷ را به مجنون و صغیر غیر ممیز اختصاص داده و آن را بدین گونه توجیه کرده اند که اگر صغیر غیر ممیز در اثر تقصیر سرپرست خود زبانی به دیگری وارد کند در واقع سرپرست سبب ایراد خسارت بوده و سبب اقوی از مباشر است. این نظر خالی از اشکال نیست زیرا کلمه صغیر در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مطلق است و شامل صغیر ممیز هم می شود و دلیلی بر تخصیص آن به صغیر غیر ممیز نیست. همچنین این ماده مبتنی بر ضوابط قانون مدنی نیست بلکه مبنا و فلسفه آن همانطور که قید گردید، جبران خسارت زیان دیده و تذکر به سرپرست است. در نهایت باید گفت که مسئولیت صغیر یکی از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر است که استثناً بر قاعده شخصی بودن مسولیت می باشد، مسئولیت سرپرست مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است یعنی سرپرست وقتی مسئول جبران زیان است که در نگهداری یا مواظبت از صغیر کوتاهی کرده باشد، علاوه بر آن، فعل زیانبار صغیر هم نامتعارف باشد. هرچند که یک نظر نیز معتقد است که در صورتی که صغیر ممیز به کسی زبانی بر اثر اتلاف یا تسبیب وارد آورد خود مسئول زیان وارده می باشد، زیرا صغیر ممیز با اینکه صغیر است قوه تمیز

^۱ معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۹۰، ذیل واژه مواظبت.

دارد و کسانی که عهده‌دار حفاظت و نگاهداری او هستند نمی‌توانند مسئولیت داشته باشند، چون مباشر اقوی از سبب است. این امور از مفهوم ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی استنباط می‌شود.^۱ مسئولیت مدنی ناشی از نگهداری صغیر در قوانین سایر کشورها نیز مورد بحث قرار گرفته است و صرفاً معطوف به فقه شیعه یا قانون مدنی ایران نیست، به عنوان مثال بر اساس ماده ۸۳۲ قانون مدنی آلمان: «کسی که به موجب قانون متعهد به مواظبت از شخصی است که به واسطه صغر خود یا وضع دماغی و جسمانی خویش نیاز به مواظبت دارد ملزم به جبران خسارتی است که به وسیله این شخص بر اثر ارتکاب یک عمل غیر قانونی به دیگری وارد آمده است، تعهد جبران خسارت تحقق نمی‌یابد هنگامی که او به تعهد مواظبت خود عمل کرده باشد یا وقتی که خسارت، حتی اگر وی چنانکه باید و شاید مواظبت به عمل می‌آورده به بار می‌آمده است، همین مسئولیت متوجه کسی است که به موجب یک عقد خود را به اعمال مواظبت متعهد می‌کند».

ماده ۲-۴۸۹ قانون مدنی فرانسه نیز مقرر داشته است: «کسی که زبانی به دیگری وارد آورده در حالی که تحت تاثیر و سلطه یک اختلال دماغی بوده است، به رغم این وضع، ملزم به جبران خسارت است».

بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه: «پدر و مادر، به اعتبار آنکه حضانت را اعمال می‌کنند، به طور تضامنی مسئول خسارتی هستند که فرزندان صغیرشان که با آنان زندگی می‌کنند به بار آورده‌اند».

همچنین طبق ماده ۳۳۳ قانون مدنی سوییس: «هر رئیس خانواده مسئول خسارتی است که توسط صغار و محجورین یا اشخاص مبتلا به بیمارهای روانی و ضعف قوای دماغی تحت اقدار او وارد آمده است مگر آنکه وی ثابت کند که از آنان به گونه متعارف و با توجهی که اوضاع و احوال ایجاب می‌کرده مواظبت به عمل آورده است. او ملزم است که موجبات آن را فراهم آورد که اشخاص منزل که مبتلا به بیماری‌های روانی یا ضعف قوای دمانی‌اند

^۱. قاضی زاده، حسین، بررسی اعمال حقوقی صغار در فقه امامیه و حقوق ایران، پایگاه اینترنتی حقوقدانان، به آدرس الکترونیکی: www.hoghooghddanan.com، تاریخ مطالعه، ۱۳۹۶/۱۱/۹.

نه خود و نه دیگران را در معرض خطر یا خسارت قرار ندهند. در صورت نیاز، او باید به مقام صالح برای درخواست انجام اقدامات لازم مراجعه کند. ضمناً طیف ماده ۵۴ قانون تعهدات سوییس: «اگر انصاف اقتضاء کند، قاضی می‌تواند حتی شخصی را که قادر به تمیز و تشخیص نیست، به جبران تمام یا بخشی از خسارتی که وارد آورده است محکوم کند، کسی که به ناتوانی در تمیز و تشخیص دچار شده است، اگر ثابت نکند که بدون تقصیر خویش به این حال افکنده شده، ملزم به جبران خسارتی است که در این حال به بار آورده است»^۱.

بخش ششم: تناقض ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی در مورد مسئولیت مدنی صغیر

موضوع مسئولیت مدنی صغیر ممیز با توجه به حمایت قانون از ایشان، از مباحث مهم حقوق مدنی و کیفری است. مسئولیت آنها از دیدگاه جزایی به واسطه فقدان عنصر معنوی تحقق پذیر نمی‌باشد. اما از آنجا که ضمان یا همان مسئولیت مدنی قائم به وجود عنصر عمد نیست، قانون برای صغیر مسئولیت قائل شده است. در قانون مدنی گرچه مسئولیت مجبورین صراحتاً در ماده ۱۲۱۶ به رسمیت شناخته شده است اما با تصویب قانون مسئولیت مدنی پس از آن، با طرح موضوع مسئولیت سرپرست مجبورین، تعارضی حادث شده که از دید حقوقدانان نیز پوشیده نمانده است.^۲ به موجب فقه شیعه و سنی و ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی که ریشه در حقوق اسلامی دارد اگر صغیر مال متعلق به دیگری را تلف کند، ضمان بر عهده‌اش مستقر خواهد بود، به سبب اینکه ضمان از احکام وضعیه بوده که شامل همگان می‌شود، لذا عقل و بلوغ در آن شرط نیست. اما با تصویب قانون مسئولیت مدنی، کسی که نگهداری یا مواظبت صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت صغیر، مسئول جبران خسارت است. این ماده از قانون مدنی آلمان اقتباس شده است و بر مبنای تقصیر استوار است که سبب ایجاد تعارض بین ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی

^۱. درودیان، حسن علی، مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند، نشریه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۶، ۱۳۷۶، ص ۱۰.

^۲. عادل‌شهر، محمود، بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی صغار در حقوق ایران و مصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۰، ص ۲.

و ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی گردیده است. در خصوص مسئولیت مدنی صغیر ممیز همانطور که مورد بحث قرار گرفت، با تعارض در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مواجه هستیم، لذا به نظر می‌رسد که خاستگاه تعارض موجود در مجمل‌گویی قانونگذار است که در اغلب موارد سعی بر اجمال که سبب ابهام نیز می‌گردد دارد. با توجه به آنکه تدوین قانون به عنوان چارچوبه‌ای برای اعمال مقررات باید با دقت بیشتری انجام گیرد، شایسته است قانونگذار با توجه به تعارض‌های موجود با تصریح ماده‌ای جدید به تمامی نظرات مختلف خاتمه دهد تا با یک رویه واحد بتوانیم به آرای منسجم در بستر محاکم دست یابیم.^۱

نتیجه‌گیری

چالش دوگانه عدم مسئولیت صغیر ممیز و جبران ضرر زیان دیده، بحث با اهمیتی در فقه و حقوق محسوب می‌شود، از طرفی برخی از فقها و حقوقدانان به واسطه احادیث نبوی و محوریت قرار دادن عقل، بر این باورند که نمی‌توان بر صغیر، ولو ممیز مسئولیت مدنی جبران خسارت بار کرد، چرا که تقصیری در کار ندارد و اصولاً قوه تمیزی برای حسن و قبح رفتارش وجود ندارد و این در حالی است که در بحث مسئولیت کیفری با صراحت بیشتری صغارت سن، از علل رافع مسئولیت شناخته شده است. در مقابل گروه دیگر بر این باورند که احادیث موجود بر اساس سقوط مسئولیت کیفری است و با استناد به قواعد فقهی نظیر لاضرر و همچنین حمایت از زیان دیده بر این امر باور دارند که ضرر و زیان وارده باید جبران شود و از آنجا که در جبران تلف و ضرر و زیان، اصولاً تقصیر شرط نیست، لذا صغیر بودن رافع مسئولیت مدنی محسوب نمی‌شود. در نتیجه به قول مشهور صغیر دارای مسئولیت مدنی جبران ضرر و زیان وارده است، هرچند که استثنائاتی نظیر معامله با صغیر یا سپردن امانت به صغیر و تلف شدن آنها، به واسطه رفتار غیرمتعارف طرف مقابل، مسئولیتی را متوجه صغیر نخواهد کرد. حال که این اصل و مبنا به عنوان قاعده مورد پذیرش قرار گرفت که

^۱. برومند، بهاره، مسئولیت مدنی صغار و مجانین در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و تعارض آن با ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۵، ص ۱۷۳.

صغیر مسئول جبران خسارت است، راه حل های قانونی آن نیز پیش بینی گردیده و طرق جبران خسارت از مال صغیر و یا مسئولیت نگهدارنده و سرپرست برای تسهیل جبران خسارت نیز با الهام از قوانین سایر کشورها و توسل به فقه پیش بینی گردیده تا در این موضوع نیز مشکلی وجود نداشته باشد. البته چالش هایی نظیر عدم تعریف صغیر ممیز و غیر ممیز و یا فقدان ملاک قانونی برای خروج از صغارت و محجوریت همچنان گریبانگیر این موضوع است و از طرفی تناقض موجود در خصوص ماده ۱۲۱۶ مدنی و ۷ قانون مسئولیت مدنی نیز نشان می دهد که علی رغم تمامی تلاش های صورت گرفته، متن قوانین نیازمند اصلاح و شفافیت بیشتر است.

۱. ارشادی، علی یار، صغیر ممیز و حدود حجر او در حقوق ایران، نشریه عدالت آرا، شماره اول، ۱۳۸۴.
۲. برومند، بهاره، مسئولیت مدنی صغار و مجانین در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و تعارض آن با ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۵.
۳. پور احمدی، محمدرضا، مسئولیت مدنی اطفال، نشریه دادرسی، شماره ۴۱، ۱۳۸۲.
۴. حسین آبادی، امیر، بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، نشریه الهیات و حقوق، شماره ۲۰، ۱۳۸۵.
۵. حسینی، مریم و خانی، زهره، سن مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه امام خمینی (س) و قانون مجازات اسلامی، نشریه متین، شماره ۷۰، ۱۳۹۵.
۶. درودیان، حسن علی، مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند، نشریه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۶، ۱۳۷۶.
۷. دهقان، رمضان، مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ۱۳۹۲.
۸. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۱.
۹. عادل شاهر، محمود، بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی صغار در حقوق ایران و مصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۰.
۱۰. عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
۱۱. قائم مقامی، محمد، حقوق تعهدات، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، وقایع حقوقی، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.

۱۳. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۹.

۱۴. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۹۰.

ب: عربی

۱. انصاری، مرتضی، المكاسب، تحقیق و تعلیق محمد کلانتر، بیروت، نشر النور المطبوعات، ۱۴۱۰.

۲. حر عاملی، محمد، وسایل الشیعه، جلد ۱۸، تهران، نشر مکتبه اسلامی، ۱۴۰۳.

۳. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد ۴۱، نینوا، نشر موسسه احیا آثار الامام الخویی، ۱۴۳۰.

۴. شهید اول، القواعد و الفوائد، ترجمه مهدی صانعی، جلد دوم، مشهد، نشر دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۲.

۵. عاملی، زین الدین، شرح لمعه الدمشقیه، ترجمه اسدالله لطفی، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۹.

۶. عاملی، زین الدین، شرح لمعه الدمشقیه، ترجمه اسدالله لطفی، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۹.

۷. محقق حلی، شرایع الاسلام، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۷۷.

۸. مراغی، عبدالفتاح، عناوین الاصول، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۲۹۷ ه.ق.

۹. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۵.

۱۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۳۷، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.

مرکز آموزش علمی-کاربردی
سازمان همپاری شهرداری های
استان اصفهان



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همپاری شهرداری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

ارکان کلیدی همایش

محور های همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی
علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی
علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

دبیر اجرایی همایش:
دکتر امین امیریان فارسانی
رئیس هیات داوران:
دکتر سعید سامانی مجد
رئیس شورای سیاست گذاری:
دکتر سعید خردمندی

۱۵ بهمن ماه
۱۳۹۸
اصفهان
سالن اجلاس دانشگاه



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

T
PBIN.com
Sponsored And Indexed

همایش های ایران
Symposia

CONF
PAPER

مکتب های علمی
Conference

مکتب های علمی
Conference

مکتب های علمی
Conference



جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار
گنجینه فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره

09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

دبیر خانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم
واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴
www.olomensani.IR

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، موسسه قانون یار، مرکز علمی کاربردی سازمان همپاری شهرداری اصفهان، بهمن ۱۳۹۸